

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

گرمی نگاه

آن که دل در گرو ساغر و مینا میکرد
بی خبر بود ز گرمی نگاه تو مگر
کاش کیفیت چشم تو تماشا میکرد
خرم آنکس که به مضمون محبت دل را
آنکه پیمانه پر از باده صها میکرد
یاد آن روز که یک خنده زیر لب تو
با خم و پیچ سر زلف تو سودا میکرد
چه فریبنده نگاری که به تمکین وفا
کار صد جام مایم در دل شیدا میکرد
وعده میداد به مستی و دم هوشیاری
بامن ابرام و به بیگانه مدارا میکرد
شیشه شوق ز طاق دل من می افتاد
آنچه میگفت به یکباره ته پامیکرد
لب خاموش تو نازم که بیک لحظه سخن
مژه از ناز، به هر بار که بالا میکرد
یار میخواست که از باده جنونخیز شوم
در دل شیفتگان غلغله برپا میکرد
دل ز تو برده «اسیر» عاقبت کار به خیر
«کاش می آمد و امروز تماشا میکرد»
پنجه هر بار به گیسوی تو میبرد «اسیر»
جست و جوی دل گم گشته رسوا میکرد

(فرانکفورت - سپتمبر ۲۰۰۲م)